

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۲ دسمبر ۲۰۱۳

پاسخی کوتاه خدمت دوستان و رفقای ما در قلب پر تپش کشور

۲

رفقاء و دوستان عزیز!

در باب امیدواری بر آن که طرح پیشنهادات اصلاحی و یا تکمیلی گستاخی تلقی نگردد، می توانید مطمئن باشید که هیچ گاهی چنین نبوده و نخواهد شد؛ چه تا جایی که به شخص خودم، متصدیان پورتال، همکاران قلمی و تخنیکی پورتال و در نهایت به خط حرکی پورتال بر می گردد، همه ما را عقیده بر این است که شناخت به مثابه یک پروسه ای که الزاماً از سطح به عمق و از دانی به عالی می باید سیر و توالی خود را داشته باشد، تطبیق درست و خلاقانه آن در امر پیشبرد کار پورتال نیز نمی تواند از همان پروسه خود را مجزا نماید. در نتیجه هر گاه پورتال در کل و افراد آن به صورت خاص بخواهند در بستر رشد و تکامل دائمی قرار داشته باشند، باید بپذیرند و این ظرفیت را در خود به وجود آورده آن را تکامل ببخشند، که هیچ کس و هیچ چیز کامل نیست، هیچ کسی تا حال پیدا نشده تا همه چیز را بداند زیرا همه چیز را فقط «همه کس» می داند و «همه کس» نه تنها تا حال تولد نشده بلکه هیچ گاهی هم تولد نخواهد یافت؛ با حرکت از این منظر نه تنها پیشنهادات اصلاحی، تکمیلی و انتقادی نبایست و نباید به مثابه گستاخی تلقی گردد- که نمی گردد-، بلکه هرگاه غرور احماقانه و جاه طلبانه خرده بوژوآمانه به یک سو و کنار گذاشته شود، پیشنهاد دهنده از آن جایی که باعث تکامل کار انسان می گردد، به صورت غیر مستقیم نقش استادی و تقدیر نیز می یابد.

آنهايي که روند کار پورتال را در طول این ۵ سال و اندی تعقیب نموده اند، به نیکویی می دانند که چه ما به مثابه افراد گرداننده پورتال و چه هم پورتال به مثابه محصول کار جمعی متعهد به آزادی افغانستان و بهبودی مردم آن، در تمام این مدت به علاوه آن که هیچ گاهی کمترین بی اعتنائی نسبت به پیشنهادات وارده انجام نداده ایم تا چه رسد به این که آن را گستاخی تلقی نموده با حرکت از موضع «دلم بایسکلم» بدان برخورد نمائیم، بلکه همیشه کوشیده ایم در حد توان و تا آن جایی که با سیاست های کلی پورتال در مغایرت قرار نداشته باشد، از آن پیشنهادات در بهبود کار ما نیز کمک بگیریم و هرگاه در جایی با پیشنهادی نتوانسته ایم موافقت نمائیم، صمیمانه و از طریق تبادل نامه با پیشنهاد دهنده دلایل مان را ابراز داشته ایم. اگر بنویسم یکی از بیشترین مصروفیت های متصدیان پورتال من جمله خودم، تبادل نامه با خوانندگان عزیز پورتال می باشد، مبالغه نکرده ام. در این زمینه تأسف آنجاست که این دوستان و خوانندگان عزیز اجازه نمی دهند، تا نامه ها و پاسخ ها منتشر گردند، ورنه در برخی موارد، سیاست های کلی پورتال روشنتر از آن می بود که اینک وجود دارد.

دوستان و رفقای عزیز!

هرگاه ما بدین عقیده می بودیم که طرح پیشنهادات اصلاحی و یا انتقادی را نسبت به خود گستاخی تلقی نمائیم، مطمئن باشید مانند اکثر سایتهای دیگر، که در آنها از صفحه نامه ها خبری نیست و اگر هم شکلاً و به دنباله روی از پورتال آن را ساخته باشند، به هیچ نامه ای به غیر از آنچه خود می نویسند، نه امکان انتشار می دهند و نه هم خود را ملزم به پاسخ آن احساس می نمایند؛ در پورتال هم صفحه نامه ها وجود نمی داشت، به نظر ما نفس موجودیت صفحه «نامه ها و پیشنهاد ها» در پورتال مبین آن است که درب پورتال برای نظرات اصلاحی، انتقادی و تکمیلی باز بوده و هیچ گاهی از آن بابت ناراحتی نسبت به نویسنده آن احساس نمی نماید.

ما به آن عده از دوستان، رفقاء و خوانندگان عزیزی که با ارسال پیشنهاد های اصلاحی، تکمیلی و انتقادی شان ما را در جهت بهبود و تکامل کار مان کمک می نمایند، سخت احترام قایل بوده صمیمانه دست شان را فشرده از آنها ابراز امتنان می نمائیم.

رفقاء و دوستان!

از حسن نظر تان به ارتباط نشر مطالب ایدئولوژیک و طیف گسترده آن یک جهان ممنون. همان طوری که در مرانامه صفحه اعتقادی نیز تذکار یافته، تجارب شخصی و شناخت هائی که از افراد به اصطلاح معتقد به اندیشه های گوناگون وجود دارد، به وضاحت نشان می دهند که نه پذیرش اسلام از طرف میلیونها مسلمان ساکن در افغانستان بر مبنای تحقیق و مطالعه استوار بوده و نه هم پذیرش اندیشه های غیر و یا ضد اسلامی از چنان مبنائی برخوردار بوده است؛ بلکه خلاف اعتقاد به اسلام که برخی ها آن را به مانند تأثیر امر توارث در ساختمان فزیک افراد دانسته فکر می کنند، اعتقادات نیز می تواند به مانند رنگ پوست، ساختمان فزیک چهره و رنگ چشم از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته، به همان سانی که از یک خانواده مطلقاً سفید پوست، تولد طفل سیاه پوست گذشته از شک بر انگیزی دلالت بر غیر خودی بودن آن طفل می نماید، وقتی فرزند مسلمان هم، از دین آبائی خود عدول می نماید به همان سان می باید در موردش نظر داد، آنهایی هم که به مانند این قلم و برخی دوستان دیگر التزام عملی و نظری شان را با اسلام قطع نموده اند، در جمع تمام آنها که از هزاران بیشتر اند، تعداد آنهایی که آگاهانه و بعد از مطالعه لازم بدین امر دست یازیده باشند، از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی کند؛ زیرا برخی از آنها بنا بر جو حاکم در محیط روشنفکری دهه ۴۰ و ۵۰ هجری که خروج از مذهب بالا ترین علامت «متمدن نمائی» به شمار می رفت و یا هم اینک که امپریالیست های اشغالگر در جریان حملات هدفمند آنها علیه دیانت اسلام عده ای را با بذل پول و سرمایه به دیانت مسیح و یا دیانت یهود متمایل و حتا معتقد ساخته اند، در این طیف نیز حین تغییر اعتقادات، کمتر می توان جای پای عنصر تحقیق، پژوهش و مطالعه را دید و همین هم است که جواسیسی از قماش کشتنند ها، سلیمان لایق ها، دادفر ها، سپنتا ها و ده های دیگری که در زمان اوج جنبش مترقی، مارکسیست تر از مارکس خود را قلمداد می نمودند، به محض فرو کش کردن آن جو، یکی خوشنودی خدا را در عاقبت کار آرزو می کند، آن دیگری از اساس خود را مسلمان دانسته ۴۰ ساله عضویتش در باند های خلق و پرچم را، شمشیر زدن در زیر بیرق محمد قلمداد می نماید، آن دیگری با ضربت زدن به ساما، تمام تلاشش آن بود تا حزب «اسلامی، ملی، ترقیخواه» که سر انجام خود را در هماهنگی با جبهه دوستم هم هویت ساخت، به وجود بیاورد و آن دیگری با بوسه بر دستان جاسوس کثیف استعمار، خودش که آبرو نداشت، احتمالاً اگر جد و آبایش صاحب کدام آبرویی بودند، همان را نیز از بین برد؛ اسلام نمائی پیشه می نمایند.

گذشته از این که در چنین طیف وسیعی جواسیسی که از آنها نام بردیم و متحدان شان نیز وجود دارد، مگر نقطه مقابل تعداد وطنپرستانی که از لحاظ ایدئولوژیک چون ماش لول می خورند، نیز کم نیست و نباید تمام آنها را در یک قلم جاسوس دانسته خود را از جنجال پاسخگویی بی غم ساخت.

باز هم تا جایی که تجارب شخصی و مطالعاتی این قلم اجازه می دهد، تا در زمینه چیزی بنگارم، به جرأت می توانم ادعا نمایم که در اکثر این تغییرات اعتقادی، نقش تأثیر پذیری از فضای حاکم بر جامعه، عدم مطالعه کافی از مکاتب متعدد فلسفی، کمبود شدید کتب مطالعاتی و عدم موجودیت فضای آزاد برای پیشبرد یک بحث سالم اعتقادی، تحجر و استبداد مذهبی «نمایندگان خدا بر روی زمین»، آن عوامل اساسی را نشان می دهند که مکتب رفته های کشور با دین اسلام فاصله گرفتند.

به دنبال حاکمیت مزدوران روس بر کشور و آغاز به سلاخی مردم افغانستان و در امتداد آن تجاوز رهنانه شوروی امپریالیستی که گذشته از نقاب سرخ برچهره تاریک و تاریخ زده اش، اعتبار کشور شورا ها را نیز با خود یدک می کشید و غرق شدن کشور در بزرگترین تکان اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم، مذهب گریزی های دهه های ۴۰ و ۵۰ جایش را به اسلام پناهی ها و اسلام نمائی های تهوع آوری داد. یعنی باز هم بدون عنصر تحقیق و مطالعه به ده ها و صد ها جوان تحصیل یافته و لائیک که تا دیروز اطاعت از اسلام را برای شان ننگ می دانستند، چنان به اسلام پناهی و مسلمان نمائی آغاز نمودند که دست گلبدین و ربانی را نیز از پشت بستند.

عکس این قضیه را حین حاکمیت از گوربرخاستگان تاریخ بر افغانستان یعنی مجاهد و طالب و در ایران در تمام دوران حاکمیت جلادان اسلامی نیز می توان مشاهده نمود، یعنی روند بریدن از اسلام و اسلام زدائی مگر کمتر استوار بر محور تحقیق و مطالعه و بیشتر متأثر از برداشت های عاطفی و احساسی.

ما با اعتقاد بر این که شرایط تکان های اجتماعی، فضاء و زمان مناسبی برای تغییرات اعتقادی نمی باشد، چه در چنان شرایطی به جای عنصر تحقیق و مطالعه؛ نفرت ها، خوشبینی ها، شکست ها، پیروزی ها، سرخوردگی ها، مال و منال و ده ها عامل دیگر می توانند مؤثر باشند، حین افتتاح پورتال صفحه اعتقادی را نیز بر آن افزودیم تا باشد آنهایی که می خواهند آگاهانه به چیزی اعتقاد داشته و یا نداشته باشند از حد اقل امکان در زمینه برخوردار بگردند. همکاری های شجاعانه تمام نویسندگان و همکاران قلمی ما در بخش مسایل اعتقادی خوشبختانه به علاوه آن که این امکان را مساعد نمود، تا به درستی راهی که پیش گرفته ایم باورمند تر حرکت نمایم؛ این زمینه را نیز به وجود آورد تا در جریان این ۵ سال و چند ماه، راهی را طی نمایم که در تمام مدت ۱۴ قرن به مثابه راهی سنگلاخی، دشوار و مخاطره آمیز نشانی شده هیچ کسی جرأت طی طریق در آن را نداشت. ما تا همین اکنون به تعداد ۷۴۵ مقاله به ظرفیت ۱۱۳ میگابایت مطلب به ارتباط مطالب اعتقادی منتشر نموده ایم که نه تنها در شرایط فعلی هیچ چپ و یا راستی را توان رقابت با آن نیست، بلکه در طول ۱۴ قرن در داخل کشور اینهمه مطلب به ارتباط مسایل اعتقادی منتشر نشده است.

به همین مناسبت سخت خوشحالیم از این که امروز دوستان و رفقای از داخل کشور بر این سیاست پورتال مهر تأیید گذاشته از ما می خواهند تا در زمینه بیشتر از پیش، مطلب به نشر برسانیم.

رفقاء و دوستان!

مطمئن باشید ما این خواست شما را خواست خود دانسته، در توسعه و گسترش آن هیچ گاهی غفلت نخواهیم ورزید، شاید بی جا نباشد بنویسم در تمام پورتال، یگانه صفحه ای که در پورتال حین ویراستاری به جز تصحیح اشتباهات و کاستی ها، با قیچی سانسور رو به رو نمی گردد، همین صفحه مسایل اعتقادی می باشد، مگر با آنهم نوشتن به ارتباط مسایل اعتقادی و ارسال آن به پورتال جرأت و شهامت لازم دارد، فکر می کنید نویسندگان این صفحه تا چه اندازه تحت فشار قرار دارند، آنانی را که به ارتباط اسلام به مثابه یک دیانت می نویسند تا کدام حد زیر فشار قرار می دهند، تا همکاری شان را با «سایت کافران، سایت شعله ئی ها» قطع نماید. طنز تاریخ آن که صادق دنی نیز از طریق فیس بوک از یکی از همکاران ما عین تقاضا را با عین دلیل نموده بود، با تأسف عدم آمادگی آن همکار در افشای هویتش، مانع از آن شد تا ما تمام نامه های مبادله شده را منتشر ساخته، چهره این جاسوس کثیف را بیشتر از این افشاء نمایم- و

عکس آن چه تلاشی وجود دارد تا نویسندگان و همکاران ارجمند ما را که علیه دین و دیانت در کل می نویسند، شناسائی نموده و به طرق مختلف صدای آنها را در گلو خفه نمایند و یا به چه تعداد تهدید عنوانی تمام متصدیان پورتال به خصوص این قلم که بنا بر تبلیغ جواسیسی از قماش حسین، داکتر غفور سنا «پولاد» و صادق دنی «پولاد گر»، به علاوه آن که می باید بار مسؤولیت نوشته های خود را به دوش بگشتم، هم آزاد هستم، هم خالق داد پغمانی هستم، هم رها هستم، هم شاهد روشنگر هستم، هم سرور باحث هستم، هم عزیز نعیمی و هم هر کسی که در آینده در این باب قلم بزند، خواهم شد، وجود دارد؟؟

شما می توانید مطمئن باشید که نه آن تخریبات و نه هم این تهدیدات، هیچ یک قادر نیستند جلو کاری را که آغاز کرده ایم سد نمایند، مگر نباید یک حقیقت را فراموش نمود که ادامه و گسترش این کار، رابطه می گیرد به دوام بخشیدن از طرف نویسندگان و همکارانی که تا این زمان و من بعد در زمینه قلم خواهند زد، تا جایی که به پورتال تعلق می گیرد همان طوری که تا حال انجام داده ایم از این به بعد نیز مطالب ارسالی در آن زمینه را به مانند سایر مطالب، مسؤولانه ویراستاری نموده در بهترین شکل آن منتشر خواهیم نمود. در همین جایی مورد نخواهد بود به انتقاد دیگری که برخی از «جوجه مارکسیست ها» همنا با جواسیسی از قماش حسین، پولاد و صادق دنی، به انتقاد از سیاست نشراتی پورتال پرداخته و اینجا و آنجا آن را «ضد لنینی» معرفی داشته اند، نیز اندکی مکث نمایم.

افرادی از قماش حسین جاسوس، پولاد و صادق دنی که برای کمونیست نمائی خود پول می گیرند، تا جنبش انقلابی و مترقی کشور را از «دریچه کمونیستی» تخریب نمایند، آگاهانه حکم داهیانه مارکس را در نقد از مذهب نادیده گرفته، از ما می خواهند تا آنچه را آنها، از لنینیزم می خواهند به خورد مردم بدهند پذیرفته، نقد مذهب را بگذاریم برای زمان "گل نی" یعنی زمانی که «یکی دهل بزند و آن دیگری سُرنی». آنها که در اساس وظیفه دارند و از بابت همان «دهل و سُرنی» انجو دارند و پول می گیرند، با چنین معرفی از لنینیزم، از ما می خواهند تا پای مان را برابر کفش اره نمائیم و این همان چیز است که پورتال نمی تواند با آن مخالفت نماید تا چه رسد به آن که با آن موافق باشد، زیرا:

ما را اعتقاد بر آن است که گذشته از بسا موارد دیگر که کمترین تشابهی بین جامعه روسیه قبل از انقلاب اکتوبر، در آستانه انقلاب و در جریان آن، و شرایط اجتماعی افغانستان کنونی و ایران باقی نمی گذارد، همین مسأله دین و چگونگی برخورد با آن نیز یکی از وجوه مغایر این جوامع بوده، در نتیجه نمی توان روح مارکسیزم لنینیزم که «تحلیل مشخص از اوضاع مشخص» است، را فداء و قربانی نص آن نموده، وظایف خود را در قبال میهن و مردم خود به فراموشی سپرد.

ما می دانیم که قبل از ورود جامعه روسیه آن روز در دو دهه نخست قرن بیست و رویارویی مستقیم پرولتاریای روسیه علیه طبقات حاکم آن کشور، نه تنها در اروپا بنیان های اعتقادی مذهب به وسیله لوتر و جنبش پروتستانیزم، کلیسا و در نتیجه حامیان مذهب را در پستو خانه های شان فراری نموده و جنبش جدائی حکومت از مذهب سنگر هائی را فتح نموده بود که دیگر مذهب از عقب آنها توانائی حمله بر خرد اجتماعی را از دست داده بود، بلکه در جامعه روسیه آنروزی نیز، به یمن مبارزات روشنگرانه روشنفکران سده نوزده روسیه و ترجمه دست آورد های جوامع اروپای غربی، کلیسای ارتدوکس کمترین توانی در تقابل علیه نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه نداشت، در نتیجه در چنان شرایطی، لنین به مثابه پیشوا و رهبر انقلابی که در چشمس قرار گرفته بود، نیازی بدان نداشت تا از شدت عمل علیه مذهب کار بگیرد، زیرا در روسیه آن زمان نه املاک و مالکیت وقفی به مقیاس و بزرگی آن چه در ایران وجود دارد، در اختیار کلیسای کاتولیک قرار داشت و نه هم شخص سردمداران کلیسا به مثابه طبقه حاکم آماج انقلاب قرار داشتند و نه هم ایدئولوژی حاکم بر طبقه حاکم و دولت روسیه آنروز مسیحیت بود، تا هر نوع مبارزه و تغییری از همان مجرا عبور نماید، در حالی که در افغانستان کنونی و حتا ایران، گذشته از آن که ایدئولوژی طبقه حاکم در هر دو کشور اسلام می

باشد و حتا پایگاه ایدئولوژیک دولت نیز اسلام است، نیروهای اپوزیسیون و حتا بدیل احتمالی آن نیز با اعتقاد راسخ به اسلام در صدد آن اند تا از طریق اسلام زنجیر های اسارت امپریالیستی و فتودالی را بر پای مردم افغانستان و ایران هر چه محکمتر ببندند، در نتیجه در هر دو کشور روشنگری علیه دین صرف در حد مبارزه ایدئولوژیک باقی نمانده، بلکه با مورد حمله قرار دادن دین به مثابه ایدئولوژی طبقات حاکم، بر خوردار از چنان بار ملی و طبقاتی می گردد، که بدون آن هیچ روزنه ای برای بیرون رفت از اوضاع کنونی مقدور چه که حتا متصور نیست.

حال با در نظر داشت چنین اوضاعی وقتی جواسیسی از قماش حسین، پولاد و صادق دنی می خواهند با پنهان شدن در عقب سنگر خود ساخته از لنینیزم برپورتال تاخته و عملکرد آن را در این زمینه زیر سؤال ببرند، واضح است که به علاوه پولی که به همین سبب می گیرند، ناتوانی شخصی خودشان در تصفیه با وجدان مذهبی شان نیز تأثیر خود را دارد، چه آنهایی که به خاطر «قد و بالا» و یا هم «جاه و جلال» به «و این یکاد» پناه می برند، و یا بر مبنای اعتقادات مذهبی فرسوده شان وقتی از خانه بیرون شده و می خواهند به مسافرتی بروند هنوز هم از زیر قرآن گذشته و حین گذشتن از قبرستان، می کوشند تا مالیدن تیل سیاه را بر پیشانی از یاد نبرند، نمی توانند غیر از این باشند که هستند، آنها می باید علیه پورتال توطئه و تفتین کنند، بر افراد آن تهمت ببندند، همکاران آنها را فحش بدهند و... زیرا بیچاره مأمور اند و مأمور هم که معذور می باشد.

پیشنهاد تان را مبنی بر این که همکاران گرامی ما به خصوص آقای «رها» برای دایم قلم بزنند، به یقین خود آنها خوانده اند و به همان اساس آقای «رها» سلسله جدیدش را در تقابل با خزعبلات «مطهری» آغاز نموده است، امید است سایر همکاران گرامی اعم از آقایان سعیدی، آزاد، نعیمی، باحث و سایرین نیز در زمینه بر فعالیت های شان افزوده، ضمن پاسخگوئی به تقاضای شما خوانندگان و همزمان عزیز، یکی از نیازمندیهای اساسی زمان ما را نیز مرفوع بگردانند.

رفقاء و دوستان!

شما به حق از پورتال تان خواسته اید، تا جانبازان جنبش چپ را هر چه بیشتر معرفی نموده و بدان وسیله نگذارد تا خون جانبازان مردم ابزاری گردد در دست کاسبکاران سیاسی حرفه ئی، یعنی آنهایی که خود بدون کمترین تلاشی جهت نفی استعمار و ارتجاع اینک می خواهند خود را در عقب خون هزاران کمونیست و صد ها هزار از مردم ما پنهان نموده، شاه ماهی دلخواه خود را صید نمایند.

رفقاء و دوستان گرامی!

ما اگر از یک جانب تفاهم و توافق کامل خود را با این خواست به حق شما ابراز می داریم از جانب دیگر بسیار متواضعانه می نگاریم:

پورتال در مقایسه با جنبش های پر عظمت آزادیخواهانه مردم ما در بستر زمان و به خصوص ۴ دهه اخیر یک نهاد نشراتی کوچک با محدودیت های عدیده ای می باشد، ما را عقیده بر آن است که این نهاد کوچک زمانی قادر خواهد شد تا در جهت انجام چنان وظیفه سترگی با متانت و درستی گام بگذارد که فرد فرد خوانندگان ما در قدم اول آنهایی که چون شما رزمندگان آگاه و مبارز به ضرورت انجام چنان رسالتی پی برده اند، خود پای پیش نموده، هر آن کسی را که حد اقل شناختی از وی دارند و می دانند که آن فرد در جریان این ۴ دهه به وسیله مزدوران روسها، روسهای اشغالگر، ارتجاع مذهبی اعم از مجاهد و طالب و در سیزده سال اخیر به وسیله امپریالیزم جنایت گستر امریکا و دست آموزان زنجیری آنها به خون غرقه شده اند؛ معرفی داشته از گمنامی به در آورند.

در همین جا بلافاصله باید بیفزائیم که این جانبازان نه تنها می باید طیف جنبش انقلابی را در بر گیرد، بلکه با حرکت از این موضع که وارث حقیقی خون جانبازان و شهداء فقط آنهایی اند که در مسیر آنها گام گذاشته، راهی را که به وسیله

خون آنها سرخ گردیده ادامه می دهند، می باید خود را وارث حقیقی خون تمام آزادیخواهان و عناصر ضد ارتجاعی دانسته، در معرفی آنها غفلتی به خرج ندهیم. انجام چنین امری نه تنها بزرگداشت و تقدیر آن جانبازان می باشد، بلکه در نفس خود مبارزه ای است علیه آن عده از عناصر خاین و ریاکاری که از یک جانب بوسه بر کفشهای خونین کرزی زده از چین وی تعریف می نمایند و وطنفروشی وی را بی شرمی تمام فداکاری قلمداد می نمایند و از جانب دیگر می خواهند چنین وانمود نمایند که گویا به پاسداری از خون شهداء اینجا و آنجا در جلسه ای اشتراک ورزیده و از فقدان آنها آهی از سینه بیرون می کشند. این عناصر خاین و میهنفروش باید بدانند که مردم افغانستان، ماهیت چاکر منش و عاری از شرافت انسانی آنها را به خوبی درک نموده و دیگر قادر نیستند با شعبده بازی ها هویت استخباراتی و جنایتکارانه شان را مخفی بدارند.

بناء ما با بی صبری تمام در انتظار آنیم تا فرد فرد رفقاء و دوستان، خود قلم برداشته به معرفی جانبازان مردم بیاغازند. به ارتباط پیشنهاد شما مبنی بر این که در قسمت نگارش و نشر تاریخ جنبش چپ می باید کاری انجام دهیم، توجه رفیقانه تان را به نکات آتی جلب می نمائیم:

۱- تأیید پیشنهاد شما به مثابه یک ضرورت غیر قابل انکار؛ نه بدان منظور که فقط اطلاعی از گذشته نزد ما به وجود آید، بلکه به صورت عمده بدان علت، که چنان نگرشی بستری گردد برای نزدیکی افراد، گروه ها و سازمانهای رزمنده در رسیدن به وحدت رزمنده در درون جنبش انقلابی.

۲- انجام اینکار در **قدم اول**، وظیفه سازمانها و نهاد های مبارزاتی است تا با دستان پر از اسناد جنبش انقلابی، در نگارش تاریخچه جنبش چپ اقدام نمایند، البته نباید از این تذکر چنان استنباطی به عمل آید که گویا کسانی که به مانند این قلم و صد های دیگر در ارتباط تشکیلاتی قرار ندارند، فارغبال نشسته هیچ کاری انجام ندهند، بلکه گذشته از تذکر «در قدم اول»، متباقی ما همه مسؤلیت داریم تا جهت تدوین درست تاریخچه جنبش انقلابی، هر آنچه را که محصول تجربه مستقیم خود ماست، بدون کمترین تحریفی در وقایع تاریخی جنبش و بدون حب و بغض «علی و عمر» نگاشته در خدمت تاریخ قرار دهیم، این امر بدان علت در خور اهمیت است که با تأسف جنبش انقلابی کشور سرگذشت حزن انگیزی داشته، جدائی ها، تنها ماندن ها، بریدن ها، تلفات و قربانی های عدیده و نامحدود، جنبش را در وضعیتی قرار داده است که در همه جا هر گاه کسی ادعا نماید که گویا وی حرف آخر را زده و حرفش حجت تمام است، اگر چنان شخصی بالا خانه را اجاره نداده باشد، به یقین جاسوس بی آزومی است که می خواهد برای جنبش انقلابی کشور مطابق میل و دستور بادرانش، قلم بزند. کاری که از سالها بدین طرف حسین جاسوس که کارش را با لو دادن عناصر مترقی آغاز و با افشای اسناد درونی ساما، آن سازمان را در زیر ضربات دشمنان رنگارنگش قرار داد، در همسویی با جاسوس بچه منوط به کشتنمندی یعنی صادق دنی و یا فردی با اسم مستعار «پولاد» که عمری را در معیت شخصی، سیاسی و استخباراتی با خلقی معروف و دو آتشه «کریم زرغون» سپری نموده، ادامه دارد، صورت گرفته است.

در همین جا با صدای بلند به تمام آنها می گویم، که ذهن شان را خدمت به جنبش انقلابی اشغال نموده و از دستبردها و جعلکاری های عناصر خاین و وطنفروش نامبرده شده ناراض و ناراحت اند، اعلام می دارم، که هرگاه خود شروع به نوشتن تاریخ مبارزات شان ننمایند، دشمنان مردم افغانستان بی کمترین غفلتی مترصد فرصت اند تا برای آنها تاریخ بسازند. این افراد که با تأسف برخی از آنها مذبحخانه اینجا و آنجا این قلم را ملامت می نمایند که چرا در جواب یک وطنفروش و جاسوس معلوم الحالی که شبنامه نوشته بود، بخشی های از تاریخ پر عظمت ساما را نگاشته و به زعم آنها افشاء گری نموده ام، باید بدانند که اگر من امروز آنچه را تاریخ مبارزاتی خودم و رفقایم می باشد ننویسم، فردا دیگران آن را با مرچ و مصالحه امپریالیستی خواهند نوشت. پس تا دیر نشده بکوشیم هریک از ما حد اقل تجارب خودمان را با صداقت انقلابی به جنبش انقلابی کشور تقدیم نمائیم.

رفقاء و دوستان!

ما از حسن نظر تان در مورد گزارشاتی که به وسیله گزارشگران پورتال تهیه و ارسال می گردند، سپاسمندیم، از آنجائی که می دانیم همه ما در آغاز کاریم احتمال کمبود و کاستی های مشخصی را در قبال گزارشات نفی نمی نمائیم، مگر یک نکته را با صراحت اعلام می داریم، تا جائی که از مقایسه گزارشات گزارشگران پورتال با سایر منابع خبری و گزارشگری بر می آید، به جرأت می توان ادعا نمود که گزارشات ارسالی گزارشگران پورتال، بار تحلیلی و تفسیری را که در بطن خبری بودن خود حمل می نماید، بدان چنان ویژگی می بخشد که اگر نگوئیم در رسانه های افغانستان بی نظیر است، در کم نظیر بودن آن هیچ تردیدی نیست، با آنها آن ها نیز به مانند شما از دل مردم خود برخاسته، آگاهانه، رضا کارانه و رفیقانه آن گزارشات را تهیه و ارسال می دارند، ما هم در اینجا می کوشیم آنها را چنان ویراستاری نمائیم که برخی ها فکر کنند، تهیه گزارشات کار یک و یا دو نفر است، اینکار را بیشتر به خاطر مسایل امنیتی انجام می دهیم تا در صورت احتمال حمله، تلفات را به حد اقل آن کاهش بدهیم.

این را هم می دانیم که زحمات آنها و تلاش ما به هیچ صورت کافی نمی باشد، از همین رو صمیمانه دست کمک به طرف شما رفقاء و دوستان دراز نموده، رفیقانه از شما تقاضا داریم تا در این زمینه هم از کمک دریغ نورزیده، با ارسال گزارشات جامع و همه جانبه تان ما را در تکمیل کار ما یاری برسانید.

رفقاء و دوستان گرامی!

وقتی شما از کمبود مواد آموزشی در زمینه های مختلف یاد می نمائید، می توانید مطمئن باشید که ما درد تان را تا مغز استخوان درک می نمائیم، چه خود زمانی که جوان بودیم با عین مشکل دست و پنجه نرم می نمودیم. تا جائی که از مقایسه شرایط آنروزگار با امروز بر می آید، تهیه کتاب در شرایط فعلی با در نظر داشت امکانات کمپیوتری و کتابخانه های دیجیتال می تواند تا حدی بهتر باشد، اما در هر صورت این سهولت برای کسانیست که از کمپیوتر و امکانات انترنیتی برخوردار می باشند، در حالی که بسیار ممکن است در اکثر قسمت های افغانستان، کسی را به بهره بردن از کمپیوتر و انترنیت رجعت دادن، همان داستان تاریخی «کلچه به جای نان» همسر لویی شانزدهم «ماری انتوانت» را تداعی نماید.

با آنها تا جائی که برای ما مقدور بوده و است، در حد توان کوشیده ایم تا نشر آثار کلاسیک و سودمند را در کنار سایر وظایف نیز انجام دهیم، می دانیم که این تلاش ما ناچیز تر از آن است که نیاز جنبش را مرفوع نموده بتواند، اما در هر صورت آنچه را در توان داریم، از تقدیم آن دریغ نورزیده و نخواهیم ورزید. یکی از مشکلاتی که در این زمینه سد راه ما می گردد، عدم دسترسی به نوشته های ارزشمند به «فارمت ورد» است. تا ضمن آن که آنها را بخش بخش و سبک ساخته منتشر می سازیم، در زمینه ویراستاری مجدد آنها از لحاظ دستور زبان نیز خدمتی انجام داده بتوانیم.

خوشبختانه پیام نیاز مندیهای شما را خوانندگان گرامی پورتال دریافت داشتند و همکاران ارجمند ما آقایان «س. رها»، «بیکان بنوال» و «فرید پرواز» مبتکرانه عمل نموده، با صرف وقت و تحمل زحمات زیاد، کتبی را برای کتابخانه پورتال ارسال داشته و قول داده اند که من بعد هم ارسال بدارند، امید است این حرکت آنها اگر نگوئیم سرآغاز، می توانیم بنویسیم سرمشقی باشد بر تمام آن عده از دوستانی که به چنان امکاناتی دسترسی دارند و توان ارسال آن را نیز دارند، تا از همزمان خود آموخته، فرزندان راستین این مرز و بوم را در پیکار آزادیخواهانه و ضد ارتجاعی آنها یاری برسانند.

رفقاء و دوستان عزیز!

راه دیگری که جهت رفع نیاز مندیهای شما رفقاء به کتاب وجود دارد، ارسال کتابخانه های الکترونیک بر روی «دی. وی. دی» می باشد، خودم همین اکنون به کمک دوستان و هواداران پورتال، در چند عدد «دی. وی. دی» در حدود ۳۰

هزار جلد کتاب و مقاله را در اختیار دارم، مجموعه ای که حین ویراستاری مطالب و تطبیق برخی از نقل قولها با اصل نوشته، سخت کار آمد و به درد بخور می باشد. هرگاه شما رفقاء امکان آن را داشته باشید تا از کمپیوتر بدون آن که به انترنیت وابستگی داشته باشد، استفاده نمائید، می توانید این قلم را در جریان قرار دهید. در آن صورت با کمال افتخار خواهم کوشید تا با رفع مشکلات تخنیکی در رسانیدن آنها به دست شما، آن کتابخانه را در اختیار شما نیز قرار بدهم، فقط به یک شرط، که حین تکثیر آن دست تان نلرزد و هر آن کسی را که بدان نیاز داشت، با آن مسلح بسازید.

ما می دانیم در شرایطی که دشمنان میهن و مردم ما گذشته از زراد خانه های جنگی، از وسیعترین زراد خانه های تبلیغاتی و نشراتی نیز برخوردار بوده، با بذل میلیونها دالر به سختی تلاش می ورزند، تا هر چه بیشتر تصرف ذهن انسانها را متحقق بسازند، همکاری در ارسال آثار انقلابی و دورانساز از چه اهمیتی می تواند برخوردار باشد، به همان اساس می توانید مطمئن باشید که آن چه را در همین زمینه در اختیار داریم، از شما رفقای ارجمند دریغ نخواهیم ورزید. رفقاء و دوستان عزیز

امید این پاسخهای کوتاه و بریده بریده را به سوالات تان با دیده اغماض نگریسته از پذیرش آن دریغ نورزید، ما اینک با همین سن و سال و با وضعیت جسمی نچندان خوب نقطه گذاری هائی می نمائیم، مگر سخت امیدواریم تا شما آن را کامل سازید.

شاد و پیروز باشید

موسوی